

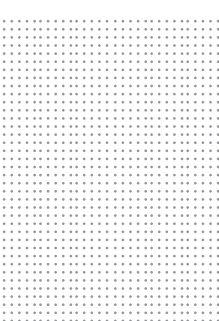
این جسارت هنرمند است که سبکی را که می‌پسندد اجرا می‌کند چه من بیسندم چه نه.

برخی مخاطبان به طرح جلد آبنبات لیمویی انتقاد دارند. این هم برمی‌گردد به صمیمیت‌شان که حس می‌کنند حالا بعد از سال‌ها این خانواده بجنوردی متعلق به آنهاست. این هواداران - که خدا زیاده‌شان کند - می‌گویند ما محسن خودمان را توی ذهن ساخته‌ایم و باین جوانک روی جلد حال نمی‌کنیم. نکته اینجاست: یک امتیاز ادبیات همین است که خواننده بخش‌هایی را که نویسنده به او حقنه نکرده برای خود می‌سازد. بنابراین تصویرها از فردی به فرد دیگر متفاوت است. به نظر من خواننده با غرق شدن در داستان تصویر روی جلد را به بایگانی می‌فرستد و باز خودش می‌ماند و خیالاتش. جالب آن‌که صدقی تقریباً تصویری از ظاهر شخصیت‌ها نشان نمی‌دهد. به جای آن ویژگی‌های خلقی و افکار را در اکت‌ها نشان داده است و خواننده بر اساس همان‌ها صورت‌سازی می‌کند. اما دچار اشتباه نشوید آدم‌های آبنبات‌ها تیپ نیستند. دایی اکبر پرت و بلا، تازه دانشگاه قبول شده و داداش محمد رزمنده مذهبی است ولی ذهن روشنی دارد و به قول خودش برعکس، بچه‌هایش هیچ یک شبیه او نیستند. شخصیت‌ها مثل ماهی شنا می‌کنند و در یک بعد ملال‌آور باقی نمی‌مانند.

به گمان من شخصیت‌پردازی نقطه طلایی داستان است، خیلی از بزرگان هم این نظر را تایید کرده‌اند! وقتی شخصیت‌ها درست خلق شوند نویسنده دیگر با آنها مثل عروسک نمی‌خورد و بلکه موقعیت خلق می‌کند و می‌گذارد وسط هچل خودش راه را پیدا کنند. خواننده گاه ممکن است از روی پیشینه، رفتار شخصیت را حدس بزند. اشکالی هم ندارد، قرار نیست به خواننده رودست بزنیم که: اما در داستان طنز دیگر غافلگیری‌ای وجود نخواهد داشت، پس به چه بخندد؟

اما آبنبات لیمویی برای برون رفت از این بحران، ضدکلیشه و حتی ضد قالب‌های خودش عمل کرده و نشان داده دستش پراست. پایان‌بندی داستان هم با این‌که جای نقد و نظر دارد اما به تن داستان نشست است. اتفاقی که در آخر می‌افتد مهم نیست، نحوه رسیدن به آن و این‌که زندگی واقعی همین است با هزار بالا و پایین اهمیت دارد. همه اینها را می‌توانستیم در یک جمله بگوییم که می‌توان کتابی نوشت که زرد نباشد، چرک نباشد، رمانتیک نباشد و بتوان به خوانندگان معرفی کرد. پس با مشک خالی، پرهیز آب ندهیم.

پیشنهاد می‌کنم مهرداد صدقی، باغی را که سال‌هاست بیل زده رها نکنند. همین داستان که در آخر خودش را به مستند نزدیک کرده و مغز خواننده را قلقلک داده است؛ می‌تواند داستانی دیگر با روای متفاوتی داشته باشد. به شرط آن‌که عجله‌ای در کار نباشد. (در این کتاب که ادامه کتاب‌های «آبنبات هل دار»، «آبنبات دارچینی» و «آبنبات نارنگیلی» است، محسن - شخصیت اصلی داستان - در روزگار کنونی تحصیلات خود را به پایان رسانده و می‌خواهد ازدواج کند اما مشکلات گریبانش را می‌گیرند.)



## آبنبات لیمویی

### با توجه به

### ویژگی‌های

### داستان طنز

### نقصی ندارد

### تعلیق و کشش

### خوبی دارد و

### آنچه را در گذشته

### کاشته خوب

### درو می‌کند، مثلاً

### نویسنده می‌داند

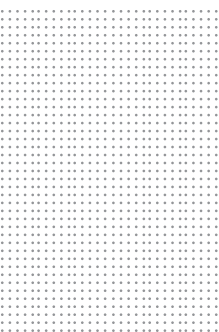
### بی‌بی شخصیت

### درست و درمانی

### است و مخاطب

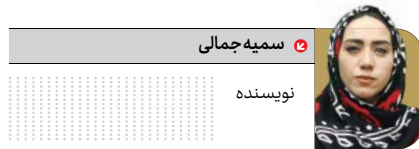
### هم درگیرش

### است



## یادداشتی بر داستان «آبنبات لیمویی» نوشته مهرداد صدقی

# در کدام تیم توپ بزنیم؟



سمیه جمالی

نویسنده

نوشتن برای مخاطب عام یا منتقدان و خاص‌پسندان؟ گمانم این پرسشی است که دست‌کم یک بار گریبان هر داستان‌نویسی را گرفته و بقیه‌اش را رها نکرده تا زمانی که انتخاب کند در کدام زمین می‌خواهد بازی کند. این میان برخی راه سوم را برمی‌گزینند: مرضی‌الطرفین؛ اگرچه به نسبت نامساوی. مهرداد صدقی که با مجموعه رمان آبنبات‌ها در گونه طنز به شهرت بیشتری رسید؛ به نظر می‌رسد راه سوم را در پیش گرفته است. راضی نگه داشتن خواننده با نوشتن املاي كم غلط. مسأله اینجاست که صدقی برای رسیدن به این مرتبه، خود را اسیر هر نظری نکرده است.

چاره‌ای نیست که برگردم به کمی عقب‌تر؛ زمانی که آبنبات هل دار منتشر شده بود. همه جا حرفش بود تا گفتم این طور نمی‌شود باید خودم بخوانم ببینم چه معجونی است. نمی‌دانم آیا لازم است بگویم که در خواندن و دیدن آثار هنری وقتم را هدر نمی‌دهم و نظر دیگران هم برایم اهمیتی ندارد؟ اما کتاب اول را خواندم.

علاوه بر نظر خودم نظر خیلی مخاطبان را

که کتاب‌های آسان‌خوان

می‌خوانند تأمین

کرده بود. هم



## آگهی مجمع فوق العاده و مجمع عمومی عادی شرکت نورآفرینان جلفا ارس (نوبت دوم)

شماره ثبت ۱۳۸ و شناسه ملی ۱۰۸۶۰۲۰۸۵۸۹

نظر به اینکه مجمع فوق العاده و مجمع عمومی عادی به ترتیب مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۳ راس ساعت ۱۶ و ساعت ۱۷ نوبت اول به دلیل عدم حضور حدنصاب قانونی تشکیل نگردید، بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه‌ای که روز چهارشنبه به ترتیب مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۰۳ راس ساعت ۱۶ و ۱۷ به نشانی: جلفا خیابان امام جعفر صادق، حسینیة ابا عبداله الحسین<sup>(ع)</sup> تشکیل می‌گردد با در دست داشتن برگه سهام و کارت ملی حضور بهم رسانند.

### دستور جلسه مجمع فوق العاده:

۱- تغییر آدرس شرکت

### دستور جلسه مجمع عمومی عادی:

۱- انتخاب اعضاء هیات‌مدیره و بازرسین

اعضاء هیات مدیران شرکت

کارت خودرو سواری هاچ بک رنو تیپ SANDERO-AT مدل ۱۳۹۵ به رنگ سفید روغنی به پلاک ۳۳ ایران ۴۳۶ ط ۸۱ و شماره شاسی NAPBSRBYAG1006748 و شماره موتور K4MC697-R019692 به نام خانم رقیه قبادی مفقود شده و فاقد اعتبار است.

کارت خودرو سواری سایپا ساینا مدل ۱۴۰۰ به رنگ سفید روغنی شماره انتظامی ایران ۶۵ - ۷۱۶ س ۹۵ شماره موتور M15/9337586 شماره شاسی NAS831100M5750791 به مالکیت وحید بخشعلی زاده مرین مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

### اصلاحیه

پیرو چاپ آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالانه شرکت گروه پزشکی شفا سهامی خاص چاپ شده در صفحه ۷ ضمیمه تپش مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۳؛ شناسه ملی ۱۰۲۰۰۰۶۲۲۸۷ صحیح می‌باشد که بدینوسیله اصلاح می‌گردد.

### آگهی فقدان مدرک تحصیلی

مدرک فارغ التحصیلی با شماره ۰۰۴۴۴۰ و شماره تأیید سازمان مرکزی ۱۳۸۴۱۰۸۰۱۸۹۱ مورخ ۱۳۸۵/۱۲/۰۶ متعلق به آقای نادر سالاریان فرزند علی به شماره ملی ۱۳۸۷۰۵۶۴۴۱ صادره از اصفهان در مقطع کارشناسی ارشد رشته مهندسی معماری صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان ارسال نماید.



روزنامه فرهنگ اجتماعی صبح ایران

JAMEJAMDAILY

daneshpayam.agahi@gmail.com